

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## صلح در افغانستان و هرأس از تکرار سناریوی ویتنام

حواریون ترامپ و طرح قضایای کشورما  
تغییر و تبدیل مُهره‌های بازی

تعیین مشخصه‌های سیاست جنگی  
الزام‌ها و ضرورت‌های اجتماعی  
نبود ثبات در تداوم برنامه‌ها  
دوگانگی در تصمیم‌گیری‌ها

آیا الزام‌ها و ضرورت‌های اجتماعی، جامعه را به زندگی آمیخته با صلح و عدالت سوق می‌دهد؟ مقصود از "الزام اجتماعی" آن است که وضع زندگی اجتماعی بشر به چنان مرحله‌ای برسد که احساس نیاز به مطالبی کرده و آنرا بمثابة یک ضرورت بپذیرد. ولی مهم آنست که یک نیاز واقعی جامعه آشکار گردد که ضرورت بودنش را همه یا حداقل متفکران و رهبران جامعه بپذیرند، ولی این در درجه اول، بستگی به بالا رفتن و ارتقای سطح آگاهی و شعور اجتماعی مردم دارد. پس از آن، با آشکار شدن نتایج نامطلوب وضع موجود جامعه و عدم امکان تداوم راه و مسیر، ارتباط پیدا می‌کند.

قبل از طرح مسایل بمفهوم وسیع کلمه، باید یادآور شد که چندی قبل مطابق اطلاع منابع خبررسانی، برنامه سفر رئیس جمهور کشور به واشنگتن پس از گفتگوی کارمندان اداره ایالات متحده با عبدالله عبدالله، لغو گردید. لغو سفر یادشده، نخستین نشانه انتخابی بود که مقامات امریکایی در حوزه سیاسی کشور ما انجام دادند، هر چند بوضوح هیچکسی در ایالات متحده انتظار آنرا نداشت. طی هفته‌های پسین در کاخ سپید بحث‌هایی در مورد سیاست آینده ایالات متحده در مورد افغانستان برآه انداخته شد. چنین وضعی بگفته کارشنا سان، ممکن باختلال مذاکرات قطر منجر گردد.

انتظارات سُراب مانند

قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که در کابل بگونه‌ای بحث‌های متعددی در مورد سفر رئیس جمهوری کشور به ایالات متحده، انجام گردید. پس از سفر نماینده ویژه ایالات متحده در امور کشور ما به کابل، این واقعیت بیش از پیش بر ملا گردید که میان ارگ ریاست جمهوری و کاخ سپید، پرتگاه بیش از پیش گسترده تر و فراختری می‌گردد که در این مورد باید کاری انجام گیرد. با این حال، اطمینان در مورد سیاست "افغانی" ایالات متحده هنوز خیلی زود بنظر می‌رسد. بگمان اغلب که دورنمای عقد موا فقتنامه میان امریکایی‌ها و نماینده‌های "طالب"‌ها، نه در داخل افغانستان مورد پشتیبانی قرار خواهد گرفت و نه در جنوب آسیا، حتا

در داخل ایالات متحده نیز طرفدار و هواخواهی نخواهد داشت. در هفته های پسین، کاخ سپید به میدان جدل میان مخالفان و موافقان توافقنامه یادشده مبدل گردید. باید یادآور شد که تقویت فرآیند یادشده به شایستگی گردانندگان کاخ سپید و قبل از همه به دونالد ترامپ ارتباط دارد که تلاش می ورزد تا وعده های عملی ناشده را به حداقل تقلیل بخشد، بویژه وعده هایی که توسط نامبرده در نخستین روزهای اقامت در کاخ سپید بخورد مردم ایالات متحده داده بود. اما نباید فراموش نمود که کاخ سپید، بمنظور تصویب توافقنامه یادشده نهایت عجله نمود، این دستپاچگی بویژه در پیش نویس آن بوضاحت منعکس گردیده است. موضوع ذکر شده را رئیس جمهور ایالات متحده بگونه واضحی با اطرافیان در میان گذاشت.

متذکر باید گردید که وزیر امور خارجه ایالات متحده و دستیار ترامپ نیز به جمع مخالفان توافقنامه یادشده پیوستند. همچنان قابل تذکرمی باشد که خطرناکترین رفتار و اقدام در مورد یادشده، عدم موافقت مایک پامپو، وزیر امور خارجه ایالات متحده با نسخه حاضر توافقنامه با "طالب"ها محسوب می گردد. مطابق اظهاراتی که در مجله تایم به نشر رسیده، دیپلمات های ایالات متحده، اتحادیه اروپا، افغانستان و وزیر امور خارجه ایالات متحده از امضای چنین توافقنامه ای امتناع ورزیدند. بگفته بعضی ها، وزیر امور خارجه ایالات متحده از بسا مواردی که در نسخه های پیش نویس از آن تذکر بعمل آمده، خجالت می ورزد که از جمله یکی هم امکان حفظ موجودیت قطعاتی از نیروهای خارجی بمنظور تداوم عملیات ضد تروریستی از قبیل "القاعده" در سرزمین و اراضی کشور ما و مادر عین زمان نبود و عدم تضمین حفظ و بقای حاکمیت سیاسی کشور، نبود فقدان زمان بندی آتش بس از مواردیست که از آن باید تذکر بعمل آید. بسخن دیگر، نسخه توافقنامه حاضر بگونه قطعی جوابگوی خواست ها و تقاضاهای "طالب"ها بشمار می رود.

در صورت امضای توافقنامه یادشده توسط وزیر امور خارجه ایالات متحده، بگونه ای بمفهوم برسمیت شناختن "طالب"ها در عرصه سیاست کشور محسوب می گردد. چنین وضعیتی، خواهی نخواهی نه تنها در جنوب آسیا بلکه در سراسر جهان برای سایر گروه های تروریستی به محرک و انگیزه ای مبدل خواهد گردید. کارشناسان همچنان چنین اظهار نظرمی نمایند که بدلیل امضای توافقنامه توسط نماینده ویژه ایالات متحده، از دست و پاگیری بودن امضای آن جلوگیری بعمل آورد.

در شرایط و جوکونی، آیا تنش ها میان ایالات متحده و "طالب"ها بویژه پس از کنار رفتن جان بولتون کاهش خواهد یافت؟ منا بع مختلفی در زمینه فوق پس از کنار رفتن جان بولتون از سمت مشاوریت امنیت ملی آن کشور با استناد از منابع دوگانه ای چنین اقامه دعوا می نمایند که شخص بولتون ابتکار دونالد ترامپ در مورد سازماندهی و انجام گفتگو با "طالب"ها را بدیده شک می نگرست، بنابراین چنین پیشنهاد نمود تا ایالات متحده بتعداد ۵ هزار تن از مجموعه ۱۴ هزار نظامی موجود امریکا در افغانستان را باید به کشور فرخواند. نظامیان باقیمانده بخوبی از عهده انجام وظایف موجود برآمده می توانند. منابع رسمی چنین اظهار نمودند که دونالد ترامپ و بسیاری ها در اداره و اشنگتن با چنین نظریه ای مخالفت ورزیدند. کارشناسی در مورد اوضاع کنونی چنین اظهار نظر نمود که افغانستان ممکن به تله ای برای ایالات متحده مبدل گردد. اما رئیس جمهور ترامپ اعلام نمود که و اشنگتن موفق به شکست "طالب"ها خواهد گردید. نامبرده علاوه نموده افزود که اما چنین امری به بهای جان میلیون ها انسان بدست خواهد آمد. اما عده ای از کارشناسان معتقدند که افغانستان ممکن بدون انتخابات باقی ماند.

اتخاذ تصمیم توسط رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر قطع مذاکرات و گفتگو با "طالب"ها، همزمان با ختم رخصتی های کانگرس آن کشور اتفاق افتاد. بمشکل بتوان گفت که قانونگذاران ایالات متحده که در رخصتی بسر می بردند، با چنین انکشاف سریع اوضاع، در قبال مسایل مربوط به کشور ما در تأیید کار و نحوه عملکرد رئیس کاخ سپید تعلل ورزیدند. ایمی کلوبشر، سناتور دموکرات اظهار نمود که همه عملکردها بمفهوم وسیع کلمه، معنای منحصر بفردی را افاده نموده و بنوبه خود بازگویی این امر می باشد که رئیس جمهور کنونی در قبال حوادث موجود از چه موقفی برخوردار بوده و نمایش بازی چگونه و به چه نحوه ایی اجرا خواهد گردید.

دستور ریاست جمهوری پس از حمله تروریستی در کابل که در نتیجه آن بتعداد ۱۲ نفر بشمول یک تن از نظامیان ایالات متحده کشته شدند، اعلام گردید. البته این نخستین حادثه ای بشمار نمی آید که در اثر آن نظامی یا نظامیان ایالات متحده کشته شده و سبب قطع گفتگوها گردد. اگر دقیق گفته شود که چنین اقدامی با در نظر داشت مجموعه ای از عوامل و فاکتور های داخلی صورت گرفت، سخنی به گزافه نگفته ایم. بموازات پیشرفت در انجام مذاکرات، در گام نخست مسأله حل و فصل سیاسی قضایای کشور ما در دستور روز قرار گرفت. اما مسأله ای که برای اطرافیان ترامپ واضح و روشن است، یکی هم انجام وعده های انتخاباتی دونالد ترامپ از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. حتما اگر این توافق خوبی با یک گروه بندی تندرو هم نباشد در نفس مسأله، باید زمینه را بمنظور تفاهم و مذاکره و تبادل نظر با نماینده های دولت افغانستان فراهم نماید. در غیر آن، ترامپ بمنظور انتخاب مجدد به پست ریاست جمهوری ایالات متحده، از امکانات محدودی برخوردار خواهد گردید. با این حال، مقدور نبود که مشاوران ریاست جمهوری ایالات متحده، چنین گمراه شوند.

با این حال، ارگ ریاست جمهوری، نخستین مقامی بود که به تصمیم ترامپ پاسخ گفت. اشرف غنی باید بداند که امضای توافقنامه ای که مذاکرات "طالب"ها با نیروهای سیاسی افغان را بدنبال داشته باشد، حُرْفه سیاسی اش را مورد سوال قرارخواهد داد. اما نامبرده، بیشترین به مؤفقیت در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری می اندیشد. بارتباط مسئله فوق، قطع مذاکرات و گفتگو با "طالب"ها یک دستاورد کوچک، اما پیروزی بزرگی برای ارگ ریاست جمهوری پنداشته می شود. "طالب"ها که بر نامه ریزی عقد توافقنامه حاضر با ایالات متحده را بمثابه پیروزی خویش برکشور اخیرالذکر پنداشتند، اقدام ترامپ را مبنی بر قطع مذاکرات و گفت و شنودها مورد انتقاد قرار دادند. اما باوجود آنهم، آنچه واضح و مبرهن می باشد، اینکه جنگجویان، امید واری شان را از تعامل و معاملات بیشتر، از دست نداده اند. البته که فعال گردیدن و انجام عملیات های نظامی، سبب وسعت مناطق و محلات تحت نفوذ جنگجویان گردیده و سبب ارتقای موقف آنها در مذاکرات نیز گردید، اما چنین وضعیتی برای همیشه قابل دوام نمی باشد.

بمشکل بتوان گفت که پس از انجام معامله اخیر با "طالب"ها، نماینده ویژه ایالات متحده در امور کشورما، همچنان بتواند درمقامش ابقا گردد. با در نظر داشت واقعات اخیر، باید اظهار داشت که دیپلوماسی امریکایی، باز هم به مذاکره در مورد اوضاع کنونی کشورما ضرورت اشد دارد. هیچکسی نمی تواند از نیاز آن کشور در مورد تجدید مذاکرات و گفتگو هایش با "طالب"ها انکار ورزد. اما اینبار "طالب"ها در نظر دارند تا امتیازات بیشتری بدست آورند که یکی از جمله آنها آتش بس و ختم عملیات های جنگی می باشد. اما بمنظور حصول مأمول فوق، باید مجدد مذاکره کنند ها به میز مذاکره حاضر گردند تا کشور از سکوت و نبود جنگ لذت ببرد.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که آیا ترامپ می تواند دلیل عدم مؤفقیت گفتگو با "طالب"ها را پنهان نگه دارد؟ اما قبل از طرح سایر مسایل و موضوعات مربوط، نباید فراموش خاطر ما گردد که بحران در کشورما به یکی از تکانه های کنار رفتن جان بولتون از پست مشاوریت ریاست جمهوری ایالات متحده در امور امنیت ملی مبدل گردید. اما علت واقعی قطع گفتگو با "طالب"ها ممکن است کاملن متفاوت باشد.

در مورد جبهه مقاومت در کاخ سپید باید اضافه نمود که موجودیت اختلافات و تعدد نظر های متفاوت میان ترامپ و بولتون در مورد کشورما زمانی آشکار گردید که ایالات متحده و "طالب"ها در یک قدمی امضای توافقنامه قرار داشتند. دستیار پیشین ریاست جمهوری ایالات متحده اظهار داشت که ایالات متحده می تواند بتعداد ۵ هزار تن از تعداد مجموعی ۱۴ هزار نظامی موجود در افغانستان را بکشور فراهخواند. علاوه بر آن، بولتون مخالف دعوت "طالب"ها به کمپ دیوید بود. نباید فراموش نمود که پریشان حالی رهبر ایالات متحده اظهار داشت که ایالات متحده می داد که مبادا بولتون در صدد آن گردد تا مایک پنس معاون ریاست جمهوری بمثابه شخصیت دوم در ایالات متحده را با موضعگیری هایش متفق و همراهِ نماید. عوامل تحریک کننده دیگر رئیس جمهور، اطلاعاتی بود که در جریان اختلافات نامبرده با بولتون و جاحالی نمودن مشکوک دستیار سابق امنیتی آن کشور آشکار گردید.

مطابق اطلاعات داده شده، ترامپ در صدد آن شد تا بمنظور ملاقات و گفتگو با حسن روحانی رئیس جمهور ایران، تعزیرات علیه آن کشور را تخفیف بخشد. چنین اطلاعاتی نیز به نشر رسید که بولتون با چنین عقیده ترامپ مخالفت ورزید. روز بعدی ملاقاتی که بتاريخ ۹ سپتامبر در کاخ سپید صورت گرفت، ترامپ کنار رفتن بولتون را اعلام نمود. بولتون اعتقاد داشت که به تهران باید حداکثر فشار وارد گردد تا برنامه های ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران پیاده گردد. پس از کنار رفتن بولتون همه، تخفیف فشارها بر ایران را انتظار داشتند.

این ساده لوحانه خواهد بود اگر چنین تصور گردد که مقامات عالیرتبه ایالات متحده می دانند که در آینده در کشورما به چه اقداماتی متوسل گردند. مشاجره کاندیدهای دموکرات انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، تصویر خوبی را در مورد، به نمایش گذاشتند.

سیاستمداران با تفصیل در مورد تمامی مسایل، از عرصه های بهداشتی تا مسایل مربوط به تسلیحات به بحث پرداختند، اما زمانی که مسایل کشورما مطرح بحث قرار داده شد، آنها از اصل موضوع بگونه ماهرانه ای کنار رفتند.

در شرایط و وضعیت کنونی، در مورد بسیاری از مسایل جهان حاضر باید بگونه ای انعطاف پذیر بود. در چاچوب دیپلوماسی اجباری باید بحوسلش پذیری با اقدامات و عملکردهایی متوسل گردید.